

## شکل‌گیری حزب توده و تلاش‌های این حزب برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی

### عظیم رفیع زاده

مریجی گروه معارف اسلامی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

[nashreshaniya@gmail.com](mailto:nashreshaniya@gmail.com)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۲ - صفحه ۱۲۱-۹۲

تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۴/۳۰ تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۳

### چکیده

کشور شوروی و قبل از آن روسیه به عنوان همسایه قدرتمند ایران در طول تاریخ با اینکه خود از منابع نفتی فراوانی برخوردار بود، اما همیشه به منابع نفتی ایران بنا بر اهداف خاصی نظر داشت. در بررسی تاثیر نفت بر روابط دو کشور معلوم می‌شود که آنها در مقاطعی برای دستیابی به منابع نفتی ایران تلاش می‌کرده‌اند. یکی در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۱ و دیگری در سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱ در زمان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، روسها هرچند در هر دو مقطع در اهداف خود ناکام ماندند اما در زمان اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ بوسیله متفقین تمام ابزارهای لازم را بکار گرفتند، مثلاً از حزب توده، نخستین و سازمان یافته ترین حزب چپ گرا در ایران برای رسیدن به اهداف نفتی خود استفاده کردند. حزب توده در حالی که قبل از آن با هرگونه واگذاری امتیاز به بیگانگان مخالف بود زمانی که پای شوروی برای امتیاز نفت شمال به میان آمد با ارائه طرح موازنه-که طبق آن امتیاز نفت جنوب متعلق به انگلیسی‌ها و امتیاز نفت شمال را حق شوروی، قلمداد کرده و از درخواست شوروی حمایت کردند. به عبارتی شوروی که وارد صحنه شد حزب توده نیز با آنها هم نوا شد. این تقاضای نفتی در ایران به علت حاکم بودن شرایط جنگی در جهان رد شد. مقاله حاضر در صدد است ضمن بررسی شکل‌گیری حزب توده و تقاضای امتیاز نفت شمال از سوی شوروی به تلاش‌ها و حمایت‌های این حزب برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی پرداخته و آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** نفت شمال، حزب توده، شوروی، ایران، آمریکا.

## مقدمه

یکی از مباحثی که در روابط ایران با شوروی در دوره پهلوی از اهمیت زیادی برخوردار شد موضوع «نفت شمال» و همراهی «حزب توده ایران» با نفوذ شوروی در این کشور بود. موضوع نفت شمال به یکی از اساسی‌ترین مسائل در روابط ایران و شوروی در دو مقطع زمانی ۱۲۹۹ و ۱۳۲۰ بوده است. در هر دو مقطع نزدیکی به قدرت سوم جهت کاهش نفوذ دو کشور روسیه و انگلیس از سوی ایران مورد توجه بوده است. هرچند از نظر اهمیت در دو زمان این موضوع به یک اندازه مهم نبوده است. دوره اول مساله نزدیکی به قدرت سوم بیشتر نمایان بوده ولی در مقطع زمانی دوم (۱۳۲۰-۱۹۴۱) بحث اشغال ایران بوسیله متفقین و تلاش ایران برای واگذاری امتیاز نفت شمال به شرکتهای آمریکایی به خودی خود شوروی را وارد بازی امتیازگیری از ایران در موضوع نفت شمال کرد. روسها هرچند خود را از نظر ذخایر نفتی بی نیاز می‌دانستند اما زمانی که پای شرکتهای آمریکایی به میان آمد آنها سریع وارد عمل شدند. در این میان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای شوروی در ایران و حمایت احزاب چپ خصوصا حزب توده از تقاضای نفتی شوروی، این موضوع را وارد مرحله جدیدی کرد. حزب توده که ابتدا با واگذاری هرگونه امتیاز نفتی مخالف بود اما در برابر تقاضای نفتی شوریه‌ها از مواضع قبلی عقب نشینی و اعلام کرد که واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی موجه است، چون امتیاز نفت جنوب در اختیار انگلیسی هاست برای ایجاد برابری فرصت یا به قول خودشان موازنه بهتر است امتیاز نفت شمال به شوروی واگذار شود، هرچند حزب توده نخستین حزب چپ یا با گرایش کمونیستی در ایران نبود ولی در میان احزاب چپ بوجود آمده در ایران از تشکیلات و سازماندهی بهتری برخوردار بود و ماندگاری بیشتری نسبت به احزاب دیگر در ایران داشت. روسها از این ابزار همراه با حمایت رسانه ای (مطبوعات وابسته به حزب توده)، حضور نظامی در ایران و برخی نمایندگان

وابسته به خود در مجلس شورای ملی وقت خصوصاً مجلس چهاردهم... به عنوان اهرمهایی برای رسیدن به مقاصد خود در ایران استفاده می‌کردند. مقاله حاضر در صدد است ضمن بررسی اجمالی تقاضای امتیاز نفت شمال از سوی شوروی به تلاش‌های حزب توده برای واگذاری این امتیاز به شوروی پرداخته و همچنین بهره‌مندی شوروی از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران برای کسب این امتیاز را بررسی نماید. در این مقاله سعی شده با استفاده از برخی اسناد و به ویژه مطبوعات آن دوره موضوع مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

### ۱- مبانی و مفاهیم

#### احزاب چپ و مارکسیستی در ایران

پیدایش احزاب چپ در ایران به یکباره نبود، بلکه در طول زمان شرایط و حوادثی در ایجاد این گونه احزاب و نگرشها در ایران موثر بوده است. شاید بتوان حزب توده را قوی‌ترین و منسجم‌ترین حزب سیاسی چپ دانست که براساس برنامه و سلسله‌مراتب حزبی در ایران شکل گرفت. در عین حال آنها اولین حزب چپ در ایران نبودند بلکه پیش از آنها احزاب کمونیست و سوسیالیست در ایران بوجود آمده بودند. بعدها برخی افراد از این گروهها به حزب توده پیوستند. احزابی که با نگرش کمونیستی و سوسیالیستی در ایران شکل گرفتند عبارتند از:

**حزب عدالت ایران:** در اوایل جنگ جهانی اول گروه کوچکی متشکل از کارگران که در راس آن افرادی چون اسدالله غفارزاده و احمد امیراف قرار داشتند بوجود آمد این گروه که خود را حزب می‌نامیدند، هنوز به سطح سازمان و یا حزب نرسیده بودند اما با پیروزی انقلاب روسیه، نخستین حزب کارگری ایران را تشکیل دادند. آنها آن را «حزب عدالت ایران» نامیدند و مرکز حزب را در مدرسه تمدن ایرانیان واقع در محله صابونچی باکو قرار دادند. (پیشه وری، ۱۳۴۹: ۱۷-۱۵).

**حزب کمونیست ایران:** زمانی که حزب عدالت ایران در حزب کمونیست شوروی ادغام شد، رهبران و اعضای حزب عدالت، عضویت حزب کمونیست آذربایجان را پذیرفتند ولی عده ای نیز جهت ادامه فعالیت آماده اعزام به ایران شدند. از تاریخ ۲ تا ۴ تیرماه ۱۲۹۹ کنگره اول حزب کمونیست ایران در انزلی تشکیل شد (رواسانی پور، ۱۳۶۸: ۱۳۴). از اعضای حزب کمونیست ایران می‌توان به کامران آقازاده، سید جعفر پیشه‌وری، بهران آقایی، علی خانف و حیدر عمواوغلی اشاره کرد. البته در مورد اعضای حزب کمونیست و تعداد آنها اطلاعات زیادی در دست نیست و در بیشتر منابع اعضا و هواخواهان با هم ذکر شده‌اند. به نظر می‌رسد اعضای رسمی آن در ایران از چند نفر تجاوز نمی‌کند (ناظری، ۱۳۸۲: ۲۰). در سال ۱۹۲۱ که حیدر عمواوغلی در راس حزب کمونیست ایران قرار گرفته بود فعالیت‌های گسترده‌ای را در گیلان شروع کردند. میرزا کوچک خان و احسان الله خان موافق با گسترش فعالیت کمونیست‌ها نبودند و به نوعی به مقابله با آن برخاستند (مدنی، ۱۳۷۵: ۱۸۳).

**حزب سوسیالیست ایران:** پس از گشایش مجلس چهارم رهبران احزاب رقیب دموکرات و اعتدالی قدیم، یعنی سلیمان میرزا اسکندری و محمد صادق طباطبایی با یکدیگر متحد شده و حزب سوسیالیست ایران را به وجود آوردند (بهار ۱۳۷۱: ۵۹-۵۷). بعدها همین سلیمان اسکندری به عنوان نخستین دبیر کل حزب توده ایران انتخاب شد.

### ۲- شکل‌گیری حزب توده ایران

در سال ۱۳۱۰ و در اوج دیکتاتوری رضاشاه، قانونی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید که براساس آن هرگونه تبلیغ مرام مارکسیستی و اشتراکی ممنوع گردیده بود (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۸). تنها نشریه کمونیستی ایران به نام دنیا براساس قانون فوق در سال ۱۳۱۴ ه.ش توقیف گردید و کمونیست‌های ایرانی در تنگنا قرار گرفتند. دولت شوروی در پاسخ به این اقدام ایران در سال ۱۳۱۷ ه.ش حدود ۳۵۰۰ تن از مهاجران ایرانی را اخراج کرد و این کار

به تیرگی روابط دو کشور افزود. این وضعیت تا اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ ه. ش همچنان پایدار ماند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۳).

در این سالها که، پلیس کلیه فعالیت های کمونیستی را ممنوع کرده بود، در این شرایط قانون ۱۳۱۰ که ظاهراً برای حفظ امنیت ملی تصویب شده بود، به اجرا در آمد. هرکس این قانون را زیر پا می گذاشت به ده سال زندان محکوم می شد. در اردیبهشت ۱۳۱۶ پلیس ۵۳ نفر را به اتهام تشکیل سازمان مخفی اشتراکی، انتشار بیانیه ماه مه (روز کارگر)، سازماندهی اعتصابات دانشکده فنی دانشگاه تهران و کارخانه نساجی اصفهان و ترجمه (کتابهای الحادی) مانند کاپیتال مارکس و مانیفست کمونیست دستگیر کرد.

اگر چه پنج تن از دستگیرشدگان بلافاصله آزاد شدند این گروه به «پنجاه و سه نفر» معروف شد. همین افراد چند سال بعد هسته اولیه حزب توده را تشکیل دادند. شخصیت اصلی «پنجاه و سه نفر» یک استاد ۳۶ ساله فیزیک دانشگاه تهران به نام «تقی آرانی» بود. آرانی با رتبه اول از دارالفنون و دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۰۲ با استفاده از بورس دولتی به آلمان رفت. او هنگام تحصیل در رشته دکترای شیمی در دانشگاه برلین در همان موسسه زبان عربی تدریس می کرد. وی سه جزوه درباره فرهنگ و ادب فارسی، درباره عمر خیام، سعدی و ناصر خسرو نوشت. آرانی کم کم از ناسیونالیسم ایرانی به سوسیالیسم مدرن روی آورد. چنانکه یکی از نشریات آن سالها در شرح حال آرانی نوشت: آرانی هنگام تحصیل در تهران که مبارزات ناسیونالیستی علیه قرارداد ایران و انگلیس در جریان بود به «شوونیسم» بسیار علاقه مند شد. او همانند بسیاری از معاصران خود معتقد بود که تنها از طریق پاکسازی زبان پارسی از واژه های بیگانه، احیای مذهب باستانی زرتشت و تجدید بنای دولت متمرکزی مانند دولت ساسانیان می توان کشور را از عقب ماندگی و امپریالیسم نجات داد (ماهنامه مردم، ۱۵ خرداد ۱۳۳۹، به نقل از: ابراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۹۵-).

۱۹۴). آرنی چند مقاله در روزنامه های ایرانشهر و فرنگستان که نگرشهای ناسیونالیستی داشتند به چاپ رساند.

وی طی سالهای بعدی اقامت در آلمان آثار مارکس، انگلس، کائوتسکی و لنین را با دقت و اشتیاق مطالعه کرد، به جنبشهای چپ اروپایی بسیار علاقه مند شد و با روزنامه پیکار همکاری می‌کرد. وی هنگام بازگشت به ایران مارکسیستی آگاه و سوسیالیستی معتقد بود، گر چه شاید عضو فرقه کمونیست نبود. آرنی زمان تدریس در دانشگاه تهران گروههای مباحثه دانشجویی تشکیل داد و با همکاران قدیمی خود که از اروپا بازگشته بودند مجله تئوریک دنیا را منتشر کرد. پس از آنکه گروه آرنی بیانیه اول ماه مه (روز کارگر) را در دانشگاه تهران توزیع کرد پلیس آنها را دستگیر کرد. آرنی در راس گروه ۵۳ نفر بازداشت، محاکمه و به حداکثر مجازات یعنی ده سال زندان انفرادی محکوم شد. وی شانزده ماه بعد در بیمارستان زندان درگذشت. دوستان و همکارانش اعلام کردند پلیس او را کشته است. به گونه ای که یکی از نویسندگان چپ بعدها نوشت: "آرنی فرزند رشید ملت ما در زندان رضاخان به شهادت رسید" (ن، جامی، ۱۳۶۲: ۱۵۰). آرنی اولین بنیانگذار فکری حزب توده به شمار می‌آید.

#### ۲-۱- سازماندهی اولیه حزب توده

پس از کناره گیری رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی در شهریور ۱۳۲۰، اقدامات اولیه برای تشکیل حزب توده انجام شد. بیست و هفت نفر از اعضای جوان « پنجاه و سه نفر، مارکسیست زندانی شده در سال ۱۳۱۶ » با تشکیل گردهمایی در تهران، تشکیل یک سازمان سیاسی با عنوان بلندپروازانه حزب توده ایران را در هفتم مهرماه (سیزده روز پس از استعفای رضاشاه) اعلام کردند.

چهره های شاخص حزب ابتدا سلیمان اسکندری را که سوابق مبارزاتی خوبی داشت به عنوان دبیر کل حزب تعیین کردند. این گروه چهار هدف موقت و اولیه داشت: ۱-آزادی باقیمانده پنجاه و سه نفر ۲- به رسمیت شناخته شدن حزب توده به عنوان سازمانی قانونی ۳- انتشار روزنامه ۴- تهیه و تدوین برنامه ای بدون برانگیختن مخالفت علمای مذهبی برای جذب دموکراتها، سوسیالیست ها و کمونیست های کهنه کار و حتی غیرمارکسیستهای رادیکال.

حزب در کمتر از شش ماه به چهار هدف فوق دست یافت (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۴۷). حزب توده در اوایل اسفند ۱۳۲۰ برنامه موقتی خود را منتشر کرد. در این برنامه بر لزوم محو آثار دیکتاتوری رضاشاه، حراست از قانون اساسی، آزادی های مدنی و حقوق انسانی، حمایت از حقوق همه شهروندان به ویژه حقوق توده ها و همیاری در مبارزه جهانی دموکراسی علیه وحشی گری فاشیسم تاکید شده بود. در نخستین کنگره حزب یکی از رهبران حزب اعلام کرد: «هدف حزب توده متحد کردن توده ها، کارگران، دهقانان، تجار، صنعتگران و روشنفکران مترقی است. البته این طبقات از نظر اقتصادی تفاوت دارند... ولی در ایران معاصر این اختلاف تحت الشعاع مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، زمینداران غایب، سرمایه داران استثمارگر و صاحبان چپاولگر صنایع قرار گرفته است. وظیفه ما متحد کردن طبقات استثمار شده و ایجاد حزبی متشکل از توده هاست» (رهبر، ۱۳ شهریور ۱۳۲۳).

گرچه بنیانگذاران حزب توده خودشان را کمونیست نمی خواندند ولی طرفدار سرسخت اتحاد شوروی بودند. آنها علاوه بر ترس از علما، بخاطر وجود قانون اساسی ۱۳۱۰ که هرگونه «مرام اشتراکی» را ممنوع کرده بود، تبلیغات بیست و پنج ساله حکومت، که نگرش خصمانه ای به سوسیالیسم و کمونیسم و اتحاد شوروی ایجاد کرده بود و علاقه به جذب اصلاح طلبان، رادیکالها و انقلابیون مترقی، اهداف و نیات اصلی خود را پنهان کردند. اصولاً

به همین دلیل بود که آنها نام حزب خود را به دور از اصطلاحات مارکسیستی «حزب توده ایران» گذاشتند.

چنانکه یکی از اعضا ضای پنجاه و سه نفر می‌نویسد: «نقشه و طرز عمل یک نفر کمونیست ایرانی می‌بایستی روی مقتضیات ایران طرح گردد، اگر یک کمونیست ایرانی در ایران برنامه حزب کمونیست آلمان یا یکی از کشورهای صنعتی دنیا را که در آن کارگران صنایع دارای تشکیلات منظم و قدرت پابرجایی هستند برنامه خود تلقی کند این عمل و طرز تفکر او سربه دیوار کوفتن است. چنین شخصی کمونیست نبوده و از فلاسفه مارکسیست و منطق دیالکتیک به کلی بی‌اطلاع است» (علوی، ۱۳۵۷: ۱۹۰).

#### ۲-۲- برنامه، تبلیغات و جهت‌گیری‌های اولیه حزب توده

حزب توده با شروع فعالیت، نخستین شعار مبارزه را مقاومت همه طبقات و قشرهای آزادی خواه در مقابل رجعت دیکتاتوری اعلام داشت و بر دو نکته تاکید ورزید:

(۱) به دست آوردن آزادیهایی که به موجب قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده است.

(۲) جلوگیری از ارتجاع و استبداد با اتکای به قدرت جمعی توده ایران

همچنین حزب توده اصول اساسی مرامنامه خود را در بدو تاسیس به شرح ذیل اعلام نمود:

الف- حفظ استقلال و تمامیت ایران

ب- برقرار کردن رژیم دموکراسی و تامین حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی زبان و قلم و عقیده و اجتماعات

ج- مبارزه علیه هرگونه رژیم دیکتاتوری و استبدادی

د- اصلاحات لازم در طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبود بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان و توده زحمتکش ایران... (جامی، ۱۳۶۲: ۱۵۱).



برنامه های تبلیغی حزب در آغاز به گونه ای بود که آنها خود را معتقد به دین اسلام نشان می دادند. حزب به این سوال که چه مذهبی دارد؟ چنین پاسخ داده است: «حزب توده ایران طرفدار مذهب حنیف اسلام و شریعت حقه محمدی است» (رهبر، شماره ۲۸۱) (۱۳۲۲/۲/۱۸). در ادامه دیدگاه های حزب توده آمده: «اکثر افراد حزب مسلمان و مسلمان زاده هستند و نسبت به شریعت محمدی علاقه و حرمت خاصی دارند و هرگز راهی را که منافی با این دین باشد نمی پیمایند و مرامی را که با آن تضاد داشته باشد نمی پذیرند ...» (رهبر شماره ۲۵۷، ۱۳۲۲/۱۲/۲۰) حزب توده به خاطر دست گذاشتن، روی طبقات دهقانی کارگران و اقشار فقیر جامعه روز به روز بر دامنه آن افزوده شد. در ضمن آنها در ابتدا از بیان مرام اصلی خود طفره می رفتند و همواره خود را مترقی، ضد فاشیسم، مخالف امپریالیسم و حزب طبقه کارگر و دهقانان و ... معرفی می کردند (مدنی، ۱۳۷۵: ۳۰۱).

#### ۲-۳- گسترش فعالیت های حزب توده در ایران

حزب توده ابتدا در استانهای شمالی، تهران و اصفهان فعالیت چشمگیری داشت اما خیلی زود دامنه فعالیت خود را به استانهای مرکزی، جنوبی و حتی شهرهای کوچک گسترش داد. در استانهای شمالی حزب در ۲۱ شهر دارای بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر جمعیت و در ۹ شهر از ۱۷ شهر دارای ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت شعبه داشت. در استانهای جنوبی هم در ۶ شهر از ۲۳ شهر دارای جمعیت بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر مانند، اصفهان، اراک، قم، همدان و کرمانشاه شعبه و شبکه مخفی داشت. گسترش و قدرتمندی حزب در مناطق شمالی به تاریخ رادیکال و پرفراز و نشیب گیلان و آذربایجان، وجود کارخانه های تازه تاسیس در تهران و مازندران و پشتیبانی شوروی مربوط می شد (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۵۷-۳۵۵).

از همین رو بود که وقتی در مجلس چهاردهم برای اولین بار حزب توده توانست هشت کرسی را به دست آورد، شوروی از حمایت سیاسی لازم برای کسب امتیاز نفت شمال برخوردار شد. گرچه نفت هدف اصلی شوروی در ایران نبود اما بهانه ای بود که هم به

چالشی در روابط ایران و شوروی تبدیل شده و هم در صورت کسب این امتیاز از سوی شوروی می‌توانست زمینه‌های تحکیم نفوذ شوروی در ایران را باعث شود و از طرفی می‌توانست خیال این کشور را به جهت امنیت لازم در مرزهای جنوبی این کشور راحت کند (ابراهامیان، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

از طرفی برخی از اعضای اصلی کادر رهبری حزب قبلاً عضو حزب سوسیالیست و یا حزب کمونیست بودند که فعالیت این احزاب بیشتر در شمال و غرب ایران بوده است. شخصیت‌های برجسته حزب مانند کباری، روستا، آوانسیان، رادمنش، امیرخیزی و ضیاء الموتی از این دسته بودند.

در انتخابات مجلس چهاردهم حزب توده بیست و سه نفر کاندید داشت که از این تعداد هشت نفر در انتخابات پیروز شدند. دو نفر در گیلان (این استان دو کاندید داشت) دو نفر در خراسان، یک نفر در تهران، یک نفر در مازندران، یک نفر در اصفهان و یک نفر در حوزه انتخابیه ارامنه شمال.

در مراسم دومین سالگرد تاسیس حزب توده در تهران بیش از ۳۰ هزار نفر حضور داشتند که بزرگترین گردهمایی عمومی در تاریخ ایران بود (مردم، ۳۰ مهر ۱۳۲۲).

### ۲-۴- دوران کامیابی و موفقیت حزب توده

شگفت‌انگیزترین کامیابی‌های حزب توده در استان خوزستان بود. حزب پس از چهار سال فعالیت زیرزمینی محدود در بین کارگران شرکت نفت، سرانجام در روز کارگر سال ۱۳۲۵ با سازماندهی یک راهپیمایی ۸۰/۰۰۰ نفری در آبادان قدرت خود را به نمایش گذاشت. قدرت کامل حزب در اعتصاب عمومی بیش از شصت و پنج هزار کارگر خوزستانی مشخص شد. این بزرگترین اعتصابات کارگران صنعتی در تاریخ خاورمیانه بود. هنگامی که در مرداد ۱۳۲۵ قوام سه پست وزارت بهداری، فرهنگ و پیشه و هنر را به سه تن از اعضای حزب توده «دکتر مرتضی یزدی، دکتر فریدون کشاورز و ایرج اسکندری» واگذار کرد و اوج

پیروزی‌های حزب توده بود. به گفته وابسته مطبوعاتی انگلیس، جبهه آزادی حزب توده بر بسیاری از ۱۷۲ روزنامه، مجله و نشریه منتشر شده در سال ۱۳۲۵ نفوذ داشت (ابراهامیان، ۱۳۷۷، ۳۷۳).

شوروی می‌توانست از این ظرفیت به خوبی برای پیش بردن اهداف نفتی خود استفاده کند. زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمد هر کشور سعی کرد در منطقه تحت نفوذ خود از ظرفیت‌های اجتماعی استفاده کند در حالی که اختیار وسایل ارتباطی استان‌های نفت‌خیز خوزستان در دست بریتانیا بود. شوروی راه‌ها و راه‌آهن‌های مناطق مرزی آذربایجان، گیلان، مازندران و شمال خراسان را در دست داشت. هر چند این به معنی مداخله مستقیم مأموران سیاسی متفقین و ارتش هایشان برای اعمال نفوذ سیاسی نامحدود نبود. اما همان نفوذ محدود آنها می‌توانست ظرفیت‌هایی را از شرایط موجود در ایران برای آنها ایجاد کند. ذکر این نکته ضروری است که زمامداران محلی برای ارسال تدارک نظامی شوروی، مجبور به همکاری نزدیک با متفقین و مأموران آنها بودند، چون همین حاکمان محلی عمدتاً نظارت بر صندوق‌های رأی را برعهده داشتند، توصیه مأموران کنسولی را در مورد انتخابات می‌پذیرفتند (ابراهامیان، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

#### ۲-۵- سرکوب حزب توده همراه با حل بحران آذربایجان

دولت انگلیس که به شدت از گسترش فعالیت‌های حزب احساس خطر کرده بود طرح‌های پیشگیرانه خود را برای جلوگیری از فعالیت‌ها آغاز کرد که عبارت بود از:

- ۱- تقویت نیروهای مسلح در عراق
- ۲- فرستادن کشتی‌های جنگی به آبادان
- ۳- تشویق شورشیان عشایر و ایلات به تشکیل حکومت‌های خودمختار طرفدار

غرب در استانهای جنوبی

۴- گماردن سفارت انگلیس به تضعیف حزب توده از طریق یافتن مدارکی دال بر

روایت این حزب با شوروی

۵- ایجاد تفرقه در درون حزب

هرچند انگلیسی‌ها در بسیاری از موارد فوق موفق عمل کردند اما از یافتن مدارک مستدلی که بر وجود (مناسباتی میان اعضای اصلی حزب و شوروی باشد، ناکام بودند) (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۷). انگلیسی‌ها اعزام کشتی‌های جنگی به آبهای ساحلی ایران و تقویت پادگان بصره را حفظ منافع امپراطوری و مراقبت در جریان نفت می دانستند، حزب توده در میان کارگران مناطق نفت خیز نفوذ زیادی داشت. زمانی که عده ای به نام انجمن ایالتی خوزستان طی تلگرافی به قوام، خواهان همان حقوقی شدند که برای دموکراتهای آذربایجان شناخته شده بود، حزب توده قوای خود را بسیج کرد و در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۶ در حدود صد هزار نفر از کارگران پالایشگاه آبادان و سایر مناطق نفت خیر دست به اعتصاب زدند. در درگیری‌های خونین که عده ای کشته و زخمی شدند و حزب توده دست به اقدام تخریبی در پالایشگاه زده و در حدود سیصد هزار تن نفت خام را نابود کردند. در این شرایط بود که انگلیسی دست به یک سری اقدامات نظامی زدند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۴۳۲).

قوام ابتدا به بهانه برگزاری انتخابات مجلس پانزده اعلام کرد که ارتش باید به منظور نظم و مراقبت در حسن جریان انتخابات بر سراسر کشور مسلط باشد. این امر مورد مخالفت شدید حزب توده و فرقه دموکرات قرار گرفت. اما قوام وقتی از نیرومندی ارتش مطمئن شد به بهانه انتخابات فرمان حمله به آذربایجان را صادر کرد. در عین حال دبیر کل سازمان ملل متحد را از نقشه دولت ایران در مورد آزادسازی آذربایجان مطلع نمود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۴۳۳).

نیروهای دولتی به راحتی وارد تبریز شدند. ستون اصلی نیروهای ارتش به فرماندهی سرهنگ حسین هاشمی مقاومت دموکراتها را در قافلانکوه در هم شکست. در حالی که

سادچیکف سفیر شوروی در ایران از دولت تقاضا کرد از ورود ارتش به تبریز جلوگیری کند، اما آمادگی شورشیان برای تسلیم بلاشرط نشان داد تلاشها در این زمینه دیگر بی فایده است. در حقیقت قبل از آنکه واحدهای ارتش به میانه برسند مردم تبریز قیام کرده و خودشان شهر را از دست دموکراتها آزاد کرده بودند. عده ای از سران فرقه دموکرات دستگیر و سید جعفر پیشه وری سرکرده آنها نیز به شوروی پناهنده شد.

در بهمن ۱۳۲۵ نیروهای دولتی با ورود به شهر مهاباد به عمر جمهوری کردستان هم خاتمه دادند. سران حزب کومله اعدام شدند. با پایان مساله آذربایجان و کردستان و دستگیری عده ای از سران حزب توده در تهران، دولت در موضع قدرت قرار گرفت. هرچند برخی منابع عدم دخالت مستقیم شوروی در مساله آذربایجان را به دکترین ترومن رئیس جمهور آمریکا و موافقتنامه قوام - سادچیکف که بعدها دولت ایران آن را «مقاله نامه» تلقی کرد، مرتبط دانسته اند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۴۳۷).

دولت پس از فراق از مشکل تجزیه طلبان سراغ حزب توده رفت. در جریان سرکوب حزب توده در اصفهان نظامیان دفاتر اصلی حزب را اشغال کردند. در کرمانشاه ۱۲ توده ای تظاهر کننده به ضرب گلوله پلیس کشته شدند. در تهران دولت با برقراری حکومت نظامی همه گردهمایی های خیابانی را ممنوع کرد. در حاشیه دریای خزر دادگاه نظامی به جرم طراحی یک شورش مسلحانه سه تن از فعالان حزب را اعدام و چهار نفر را به حبس ابد محکوم کرد. خونین ترین درگیریها در آذربایجان و کردستان روی داد که طی آن ۵۰۰ شورشی کشته شدند. ۱۲۰۰ آذربایجانی و ۱۰/۰۰۰ کرد به شوروی گریختند. هرچند این سرکوبها به حزب ضربات شدیدی وارد کرد اما دولت حزب را به طور کامل منحل نکرد، بلکه به سازمان مرکزی حزب اجازه داد تا گردهمایی های غیرخیابانی برگزار کند روزنامه منتشر سازد... این اقدامات شاید دلایلی گوناگونی داشت. یکی اینکه سفارتخانه های غربی به خصوص انگلیس معتقد بودند که گذاشتن یک سوپاپ اطمینان آشکار برای ناراضی های

عمومی عاقلانه است! دوم اینکه قوام امیدوار بود روزی بتواند حزب توده را علیه شاه به کار گیرد. از طرفی دولت نمی‌خواست با غیرقانونی اعلام کردن حزب توده مخالفت روسها را برانگیزد... (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۷۶).

#### ۲-۶- دلایل ناکامی حزب توده در مبارزه با رژیم پهلوی

علل ناکامی حزب توده در مبارزه با رژیم پهلوی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- برخورد سخت رژیم پهلوی با حزب و سرکوب شدید آن، این سرکوبها با تبلیغات منفی و جنگ روانی علیه حزب توده بوسیله رژیم همراه بود.
- ۲- دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی حاصل از نوسازی سریع، اگر دولت دست به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بزند مردم رسیدن به امکانات بهتر را در مسیر اصلاحات دولتی دنبال می‌کنند نه در مسیر تلاشهای حزبی و گروهی
- ۳- انشعاب های حزبی و اختلافات درون حزبی، انشعابهایی نظیر سازمان مارکسیست- لنینیستی «توفان»؛ «سازمان انقلابی حزب توده در خارج»؛ «سازمان جوانان حزب توده» و «حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)» و... (رفیع زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۹-۲۲۷).

#### ۳- امتیاز نفت شمال

در زمان اعطای امتیاز دارسی، پنج استان شمالی ایران یعنی آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد و خراسان که همجوار روسیه بودند از کل مناطق مستثنی شدند تا اعطای امتیاز مورد اعتراض روسها قرار نگیرد. بنابراین امتیازات اعطا شده و فعالیت های به عمل آمده در این پنج استان در طبقه بندی دیگری قرار می‌گیرند که از آن به عنوان منطقه نفتی شمال یا «نفت شمال» نام می‌برند.

موضوع نفت شمال بیشتر در دو مقطع از تاریخ معاصر ایران مطرح بوده است، یکی در سالهای نخست پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹/۱۹۲۱ و دیگر پس از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۰ م در زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران. اهمیت موضوع نفت شمال در این دوران به دو دلیل است، نخست آنکه سیاستمداران ایران برای تحقق دکترین نزدیکی به نیروی سوم (قدرت ثالث) در سیاست خارجی ایران از نفت شمال استفاده کردند و دیگر اینکه ایران در این دو مقطع زمانی صحنه رقابت قدرتهای بزرگ بود (مسعود نیا، ۱۳۸۷: ۹۹).

پس از ورود ایران به دایره سیاست بین الملل، پیامد منفی رقابت روسیه و انگلیس در ایران سبب شد تا برخی از دولتمردان ایران به سیاست نیروی سوم علاقه مند شوند، سیاستی که به دکترین نیروی سوم شهرت یافت. به اعتقاد بسیاری از طرفداران سیاست نیروی سوم یکی از روشهای مناسب برای تحقق این دکترین، درگیر ساختن دولت های ثالث و یا شرکت های نفتی متعلق به آنها در منابع نفتی شمال ایران بود.

در تعقیب این سیاست بود که دولت ایران تصمیم گرفت بهره برداری از نفت ایالات شمالی را به شرکتهای آمریکایی واگذار کند. وزیر مختار ایران در واشنگتن (حسین علاء) به طور فعال کوشش داشت تا شرکتهای نفتی آمریکایی را برای کسب امتیاز نفت شمال ایران ترغیب کند. در اوت ۱۹۲۰ کوشش های وزیر مختار ایران به نتیجه رسید و وزات خارجه آمریکا به وی اطلاع داد که شرکتهای آمریکایی خواستار کسب امتیاز نفت در شمال ایران هستند (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۰۱). وزیر مختار ایران پس از کسب موافقت وزارت خارجه، آمریکا با کمک مورگان شوستر مذاکرات خود را با نمایندگان شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی آغاز کرد (اسنادی از امتیاز نفت شمال، دفتر اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۱۰۱ پیوست).

#### ۴- شوروی و امتیاز نفت شمال

به دنبال تلاش شرکتهای آمریکایی و انگلیسی برای کسب امتیاز نفت شمال شوروی هم متقاضی دریافت این امتیاز شد. در شهریور ۱۳۲۳/۱۹۴۴ سرگئی کافتارادزه معاون کمیساریای

ملی امور خارجه اتحاد شوروی در راس هیئتی از کارشناسان نفت آن کشور وارد تهران شد (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۳۰، ۲۷ مهر ۱۳۲۳). وی پس از دیدار با نخست وزیر (ساعد) اعلام کرد که موسسات نفتی شوروی علاقمند به تحصیل امتیاز نفت کویرخوریان می باشند. البته موافقت با ورود کافتارادزه نتیجه فشارهای عدیده سیاسی داخلی وخارجی ویک نوع مانور سیاسی تلقی می شد. مخصوصا اینکه دولت شوروی تبلیغات شدیدی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت به شرکتهای آمریکایی و انگلیسی به راه انداخته بود و از دولت ایران انتقادات سختی می کرد و حتی با حضور ارتش آمریکا در ایران نیز مخالف بود (لنچافسکی، ۱۳۵۲: ۳۰۴).

ماموریت اصلی کافتارادزه در ابتدای امر پوشیده نگاه داشته شد و دولت شوروی اعلام کرد این هیئت صرفا جهت مذاکره درباره نفت خوریان با دولت ایران به تهران روانه شده است. اما از آنجایی که هدف اصلی شوروی اخذ امتیاز نفت شمال ایران بود، این هدف را در پوشش پیشنهاد تشکیل یک شرکت مختلط ایرانی و روسی برای استخراج و بهره برداری از نفت شمال ایران مخفی نگاهداشت (آرامش، ۱۳۶۹: ۲۳). با روشن شدن اهداف کافتارادزه کشمکش شدیدی میان موافقان واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی و مخالفان واگذاری این امتیاز خصوصا در مجلس شورای ملی درگرفت. نمایندگان متمایل به شوروی که غالبا از اعضای حزب توده بودند، دولت را جهت موافقت با تقاضاهای نفتی شوروی سخت تحت فشار قرار دادند و مطبوعات وابسته به آنها حملات تندی به دولت و مخالفان اعطای امتیاز به شوروی می کردند (شاهدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

برعکس طرفداران دولت انگلیس نظیر سید ضیاء الدین طباطبایی تقاضاهای نفتی شوروی را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند و دولت را تحت فشار قرار دادند تا جدا از موافقت با تقاضای کافتارادزه خود داری ورزد (شوادران، ۱۳۵۲: ۲۷۱-۲۷۰). دراین شرایط کافتارادزه ملاقاتی با شاه ایران داشت و از وی خواست تا از نفوذ خود استفاده کرده، دولت را به اعطای امتیاز



نفت شمال به شوروی ترغیب کند. کافتارادزه شخصا به شاه هشدار داد که روابط اقتصادی دو کشور در آینده نیز بستگی به پاسخ دولت ایران به تقاضای نفتی شوروی دارد. شاه درخواست کافتارادزه را رد کرد و یادآور شد تصمیم در این زمینه به عهده دولت است و حتی در صورت موافقت دولت، مجلس شورای ملی نیز باید موافقت نامه را تصویب نماید (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۱۳). قسمت عمده فشارهای شوروی به ایران در زمینه اقتصاد بود. دولت شوروی قراردادهای تجاری و مالی با ایران منعقد می‌کرد که در این قراردادها همیشه خواسته‌های شوروی تحمیل می‌شد (سلیمانی دهکردی و عزیزخواه، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

#### ۵- حزب توده و امتیاز نفت شمال

تا زمانی که موضوع تقاضای شوروی به میان نیامده بود حزب توده با هرگونه واگذاری امتیاز نفتی مخالف بود. در نوزده مرداد سال ۱۳۲۳ در جلسه علنی مجلس شورای ملی طوسی نماینده بجنورد در مورد مذاکره دولت با نمایندگان شرکهای نفتی آمریکایی از نخست وزیر (محمد ساعد مراغه ای) سؤالاتی پرسید و توضیح خواست. در همان جلسه دکتر رادمنش سخنگوی فراکسیون حزب توده نیز سؤالاتی را مطرح کرد که ساعد به این سؤالات پاسخ گفت (صورت مذاکرات مجلس شوروی ملی، شماره ۱۳۰۸، ۱۳۲۳/۵/۱۹). پس از پاسخ نخست وزیر، رادمنش در توضیحاتی اعلام کرد: « که او و رفقاییش با دادن هرگونه امتیازات به دولتهای خارجی به طور کلی مخالفند. همان طور که ملت ایران راه آهن را خودش احداث کرد بنده یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج و شاید بتوانیم به موضوع بدبختی مردم این مملکت بهبودی بدهیم.» (جامی، ۱۳۶۲: ۲۱۵؛ فاتح، ۱۳۳۵: ۳۵۴).

#### ۵-۱- مواضع حزب توده قبل از درخواست امتیاز از طرف شوروی

به طور کلی مواضع حزب توده تا قبل از درخواست رسمی اتحاد شوروی برای بهره برداری از نفت شمال را می‌توان این گونه خلاصه کرد:

- ۱- حزب توده ایران با دادن امتیازات به دولتهای خارجی به طور کلی مخالف است
- ۲- حزب توده ایران یقین دارد که استخراج منابع کشور با کمک مردم و سرمایه داخلی مقدور است.
- ۳- حزب توده ایران معتقد است دولت می‌بایست قبل از شروع مذاکرات از مجلس شورای ملی نظرخواهی می‌کرد.
- ۴- نظرات حزب توده ایران برای اعطای امتیاز به دولتهای خارجی اعم بوده و برای هیچ دولت خارجی استثنایی قائل نیست مخصوصاً این که تا آن تاریخ هیچ گونه پیشنهادی راجع به امتیاز نفت شمال از طرف دولت شوروی به دولت ایران ارائه نگردیده بود... (جامی، ۱۳۶۲: ۲۱۶-۲۱۷).

روزنامه های وابسته به حزب توده نیز مرتب به مردم هشدار می‌دادند که نباید هیچ امتیازی به شرکتهای آمریکایی و انگلیسی واگذار شود. در این مورد روزنامه آژیر نوشت: «مردم بیدار باشید گول نخورید، اغفال نشوید، منابع ثروت ایران مال خود ملت ایران است. آن را فقط ملت ایران می‌تواند استخراج کند.» (آژیر شماره ۱۷۲؛ ۱۳۲۳/۵/۵).

#### ۵-۲- مواضع حزب توده بعد از درخواست امتیاز از جانب شوروی

به دنبال مصاحبه کافتارادزه، حزب توده و مطبوعات وابسته دعوت او را لیبیک گفتند و تظاهراتی را در تهران علیه دولت ساعد برپا کردند (جامی، ۱۳۶۲: ۲۳۲). دولت شوروی برای اعمال فشار و تحمیل نظرات و خواسته های خود به دولت ایران حداقل سه از پایگاه مختلف سود می‌برد

- ۱- قوای مسلح شوروی در ایران
- ۲- حزب توده

۳- حدود پانزده تا بیست تن از نمایندگان مجلس و روزنامه های وابسته به آنها وکلای توده ای مجلس که خود شدیداً با اعطای هرگونه امتیازی به شرکتها نفتی در زمان جنگ مخالف بودند به اشاره دولت شوروی خواستار سیاست «موازنه» شدند. بدین معنی چون انگلیسی ها امتیاز نفت جنوب را در اختیار داشتند دولت میبایست امتیاز نفت شمال را هم به دولت شوروی بدهد تا موازنه برقرار شود. یکی از روزنامه های وابسته به حزب توده در این زمینه نوشت: «... نواحی شمالی ایران در حکم حریم امنیت شوروی، است و این دولت هرگز حاضر نخواهد شد که در آنجا به نام نفت دستگاه خصمانه مفصلی علیه او چیده شود... به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد.» (مردم برای روشنفکران، ۱۹ آبان ۱۳۲۳).

سیاست موازنه مورد ادعای حزب توده با طرحی که، سید مهدی فرخ رهبر فراکسیون دموکرات به مجلس داد ناکام ماند. مطابق این طرح تا زمانی که قوای خارجی در ایران وجود دارد واگذاری هرگونه امتیازی به هریک از کشورهای اشغالگر غیرقانونی اعلام شود (فرخ، بی تا: ۶۸۱). این طرح در تاریخ یازده آذر ۱۳۲۳ رسماً از طرف دکتر مصدق با عنوان «موازنه منفی» به مجلس ارائه شده مبنی بر اینکه به هیچ یک از خواستاران امتیازات نه همسایه شمالی و نه همسایه جنوبی و نه دولت آمریکا امتیاز جدیدی داده نشود طرح فوق با اکثریت قاطع آرا به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۲۱-۲۲۰).

حزب توده ایران در مورد اعطای امتیاز نفت به دولت شوروی در یکی از روزنامه ها اینگونه اعلام موضع نمود: «دادن امتیاز نفت شمال با شرایطی خیلی مناسب تر و از شرایط تجدید و تهدیدی که با دلالتی و مسئولیت آقای تقی زاده (امضا کننده قرارداد ۱۹۳۳) به عمل آمد از لحاظ سیاسی و اقتصادی در حال حاضر به نفع ایران است... دادن این امتیاز باعث می شود روابط سیاسی و اقتصادی صمیمانه بین دولت ایران و شوروی برقرار گردد... شاید مخالفت مرتجعین معلوم الحال با این امتیاز بیشتر از این لحاظ باشد که نمی خواهند نمونه

ای از رفتار دولت شوروی با کارگران در پیش چشم ایرانیان وجود داشته باشد... (رزم، ۱۳۲۳/۸/۱۸؛ جامی، ۱۳۶۲: ۲۲۵). اعضای حزب توده در نشست‌های خود مرتباً علیه سیدضیاء (که از سیاستمداران طرفدار انگلیس بود) و همکاران او سخنرانی کرده و مردم را علیه آنان تحریک و از مردم دعوت می‌کردند با پیوستن به حزب توده علیه آنها وارد عمل شوند (سلیمانی دهکردی - عزیزخواه، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

#### ۶- شوروی و ظرفیت‌های موجود در ایران برای تقاضای امتیاز نفت شمال

دستگاه تبلیغاتی دولت اتحاد شوروی بارها اعلام کرده بود که شوروی از نظر منابع نفتی بسیار غنی بوده، بطوریکه مقام اول را از این بابت در دنیا دارا است. حال این سؤال پیش می‌آید که انگیزه دولت شوروی از تقاضای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران چه بوده است؟ پژوهشگران مسایل سیاست خارجی ایران به این پرسش دو پاسخ متفاوت داده‌اند. شماری بر این باورند که با توجه به اهمیت مرزهای جنوبی شوروی برای این کشور و قرار داشتن حوزه‌های نفتی در منطقه قفقاز، شوروی نگران بود چنانچه دولت ایران امتیاز نفت شمال را به شرکت‌های غربی واگذار کند امنیت مرزهای جنوبی روسیه و حوزه‌های نفتی واقع در این منطقه به خطر افتد. از نظر سیاستمداران روسی بهترین راهکار برای مقابله با این تهدید گرفتن امتیاز نفت شمال ایران و جلوگیری از حضور شرکت‌های غربی در هم‌سایگی مرزهای جنوبی شوروی بود (م. سعودنیا، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۹۶). «جرج کنان» کاردار سفارت آمریکا در م. سکو در گزارش به وزارت امور خارجه آمریکا در اوج بحران نفت در ایران می‌نویسد: غرض اصلی از اقدامات اخیر شوروی در شمال ایران احتمالاً تنها برای دست‌یافتن به منابع نفتی نیست، بلکه بیم و تشویش از نفوذ نیرویهای بالقوه خارجی در شمال ایران سبب آن بوده است» کنان در ادامه گزارش خود می‌نویسد «کرم‌لین برای حفظ امنیت شوروی، این مسئله را که هیچ قدرت بزرگ خارجی نباید حتی شانس بدست آوردن

جای پایی را در شمال ایران داشته باشد بسیار اساسی تلقی می‌کند» (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۲۴). گروهی دیگر بر این باورند که با وجود تفاهم اولیه میان انگلستان و شوروی در ایران کوشش شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال به دلیل برقراری توازن در چارچوب تئوری تعادل در روابط این کشور با بریتانیا در ایران بوده است. با تحلیل خواسته‌های شوروی معلوم می‌شود که هر دو عامل یعنی تأمین امنیت مرزهای جنوبی شوروی و رقابت شوروی و انگلیس در ایران در تصمیم‌گیری رهبران شوروی برای گرفتن امتیاز نفت شمال مؤثر بوده است (م سعودنیا، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۹۶). هر چند می‌توان در بررسی انگیزه‌های شوروی از دستیابی به امتیاز نفت شمال چند نکته دیگر را هم اضافه کرد. آنها واقعاً به نفت احتیاج داشتند. علیرغم اینکه گفته بودند از نظر منابع نفتی غنی هستند، چون بخش مهمی از تولیدات نفتی با کوریا برای مصارف داخلی بعد از جنگ اختصاص داده بودند، می‌خواستند با استفاده از نفت شمال ایران با آمریکا و انگلستان در بازارهای جهانی نفت به رقابت بپردازند. از طرفی منابع نفتی شمال ایران و منابع نفتی قفقاز در یک حوزه قرار دارد. به ادعای روس‌ها بهره‌برداری از منابع نفتی شمال ایران باعث خشک شدن چاه‌های نفت منطقه قفقاز می‌گردد که این موضوع نیز مورد توجه روس‌ها بوده است. نکته دیگری که نمی‌توان از آن به راحتی گذشت این که مسکو درصدد بود تا از رقابت کشورهای غربی در مسئله نفت ایران به عنوان بهترین بهانه و دلیل برای مداخله در امور سیاسی ایران استفاده کند. چرا که سیاست کلی شوروی در ایران مبتنی بر این اصل بود که او ضاع اقتصادی و خط‌مشی سیاسی کشورهای همجوار نباید بوسیله قدرت‌های دیگر مشخص شود. نتیجه اینکه درخواست دولت شوروی برای امتیاز نفت شمال در حقیقت بخشی از نیاز آن دولت جهت داشتن کمربند حفاظتی و امنیتی در شمال ایران علیه دشمن دیرینه و سنتی خود، انگلستان و تازه واردی چون آمریکا بود (ذوقی، ۱۳۷۵: ۱۸۵).

#### ۷- دلایل مخالفت ایران با درخواست شوروی

علت اصلی و واقعی امتناع دولت ایران از واگذاری امتیاز نفت به شوروی را باید در سیاست و طرز تلقی غیردوستانه دولت شوروی نسبت به ایران جستجو کرد. دولت ساعد با اطمینان می‌دانست بهره برداری از نفت شمال ایران توسط شوروی به معنی پایان دادن استقلال و حاکمیت ایران است. دلیل آن هم این بود که شوروی با این امتیاز می‌توانست ایالات شمالی ایران را به عنوان منطقه اشغالی شوروی به سادگی از پیکر ایران جدا کند. روزنامه های وابسته به عناصر ملی و دموکراتیک نیز درخواست شوروی را کوشش برای نقض حاکمیت و استقلال ایران قلمداد کردند (باختر، ۴ آبان ۱۳۲۳). روزنامه رعد امروز نوشت: «اکنون مسئله نفت مطرح نیست بلکه مسئله آزادی و استقلال ایران و در واقع موجودیت ایران مطرح می‌باشد» (رعد امروز، ۲۸ مهر، ۱۳۲۳). علیرغم ماهیت اعلامه تهران که رهبر شوروی نیز از امضاکنندگان آن بود و با در نظر گرفتن فعالیت های عمال شوروی در ایران و مداخلات آن دولت در امور داخلی کشور باید گفت تجزیه موجودیت ملی ایران هدف غایی و نهایی اتحاد شوروی بوده است

در حالی که شوروی درخواست امتیاز نفتی را بدون بحث و مذاکره قبلی مطالبه می‌کرد و مواضع خود را از نظر مالی بدرستی روشن نکرده بود و اعلام کرده بود که مذاکرات مالی و نوع پرداخت پول آن بعد از تحصیل امتیاز مشخص خواهد شد که این موضوع نمی‌توانست به هیچ وجه برای دولت ایران قابل قبول باشد. (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۲۸).

#### ۸- عکس العمل شوروی بعد از مخالفت ایران با اعطای امتیاز

پس از تصویب لایحه منع مذاکرات اعطای امتیاز نفت روسها دست خالی میدان را ترک نکردند. آنها امتیاز نفت را بدست نیاوردند ولی در عوض به چیزی دست یافتند که برای دولتها و قدرتهای بزرگ بسیار سودمند است، گله و شکایت و مظلوم واقع شدن با همه ارزش های دائمی آن. دولتهای بعدی ایران هم که سیاست نفتی ساعد را در پیش گرفتند متهم به

مرتجع و فاشیست بودن می‌شدند. چرا که آنها دوستی و مساعدت دولت شوروی را بخاطر حفظ منافع «اربابان خارجی» و امپریالیست خود رد کرده بودند (رهبر، ۴ آبان ۱۳۲۳؛ ظفر، ۵ آبان ۱۳۲۳). مهم تر اینکه امتناع از اعطای امتیاز نفت به شوروی مانع بزرگی در راه بهبود روابط ایران و شوروی محسوب گردید (رزم، ۱۷ آبان ۱۳۲۳).

روسها تصمیم دولت ایران را نوعی تبعیض که مغایر اصل «تساوی فرصت» و «حقوق برابر» و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای همه کشورهای صلح دوست است تلقی می‌کردند. ادعای برابری فرصت روسها ناخواسته وضعیت ایران در دوره قاجار را تداعی می‌کند که دو امپراتوری روسیه و انگلستان برای چپاول منابع این کشور با هم مسابقه گذاشته بودند و سرنوشت ناسازگار و موقعیت راهبردی ایران در خلیج فارس و آسیای میانه ایران را میان پتک روس و سندان انگلیس نهاده بود. هرچند سیاست روس و انگلیس و انگیزه آن در ایران آن زمان متفاوت بود اما از نظر رقابت برای غارت این کشور مشابه هم بود (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۱۳۵).

بعد از اینکه ایران درخواست شوروی را برای اعطای امتیاز نفتی رد کرد موضوع «عدم رعایت برابری» به طور مستمر در روزنامه های شوروی و مطبوعات جیره خوار آن دولت در ایران مورد توجه و بحث قرار گرفت. (دوست ایران؛ نشریه سفارت شوروی در تهران، ۱۳ دسامبر ۱۹۴۴؛ رهبر، ۱۹ آذر: ۱۳۲۳). البته نباید از نظر دور داشت که امتیاز داری در سال ۱۹۰۱ به طور کاملا آزاد و بدون تهدید و فشار و تنها براساس منافع تجاری و مادی مورد مذاکره قرار گرفته و تجدید آن نیز در سال ۱۹۳۳ دریک جو بحرانی صورت گرفته بود و آن بحران را شخص رضاشاه بوجود آورده بود، ولی در عین حال منافع آن به مراتب بر امتیاز اصلی داری رجحان و برتری داشت.

اصل رعایت برابری فرصت که دولت شوروی مدعی آن بود بیشتر جنبه سیاسی داشت تا جنبه های اقتصادی و تجارتي، چه اینکه تصمیم دولت شوروی برای کسب امتیاز نفت

یک تصمیم ناگهانی تلقی می‌شد. موافقت نکردن دولت ساعد با واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی باعث شد تا ساعد (نخست‌وزیر) زیر فشارهای شوروی و حزب توده ایران از نخست‌وزیری استعفا دهد. ورس‌ها با این فعل و انفعالات تصمیم گرفتند که جای پای خود را در ایران محکم کنند و با تحریک و تشویق حزب توده ایران به شکل‌گیری و هدایت حزب دموکرات در آذربایجان و کردستان پرداختند. (معینی رودبالی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

اشغال ایران در جریان جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران این فرصت را برای توسعه نفوذ آنها در ایران داد. تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان و کردستان با اهداف تجزیه‌طلبانه و نتیجه این فرصت‌طلبی بود. درکنار آن شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال پافشاری می‌کرد و اعلام کرد نیروهای خود را تا کسب این امتیاز از ایران خارج نمی‌کند. برخی اوقات نیروهای نظامی شوروی سربازان ایرانی را خلع سلاح کرده و مانع اقدامات آنها در شمال ایران می‌شدند. در حالی که در اعلامیه تهران که میان سران سه کشور آمریکا، انگلیس و شوروی به امضا رسیده بود و در دسامبر ۱۹۴۳ (آذر ۱۳۲۲) منتشر شد، آمده بود که متفقین به استقلال و تمامیت ارضی ایران پایبند بوده و پس از اتمام جنگ نیروهای خود را از ایران بیرون می‌برند. (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۲۲ ش، ک ۲۲، پ ۵۷: ۷) ضمن اینکه شاه ایران نیز در ملاقاتهایی که با سران سه کشور متفق داشت به این مسئله تاکید کرده بود.

با این شرایط بعدها قوام السلطنه نخست‌وزیر ایران سفری به مسکو کرد و طی ملاقاتهایی که با سران آن کشور داشت به استالین قول داد مسئله امتیاز نفتی شمال را حل خواهد کرد یا امتیازات اقتصادی مشابه به آن کشور خواهد داد، ولی قبل از هر اقدامی شوروی باید نیروهای خود را از ایران خارج کند. عدم تخلیه ایران از سوی شوروی افکار عمومی جهان را علیه این کشور سوق داد. به ناچار شوروی تحت فشار سیاست بین‌المللی و افکار عمومی جهان تنها با امضاء یک موافقتنامه برای تشکیل یک شرکت مختلط ایران و شوروی که پس از تصویب



مجلس ایران رسمیت می‌یافت حاضر به ترک ایران شد. در این زمینه گفته شد که ترومن رئیس‌جمهور آمریکا نیز در فروردین ۱۳۲۵ (مارس ۱۹۴۶) درباره تخلیه ایران به استالین اولتیماتوم داد که چنانچه شوروی ایران را تخلیه نکند آمریکا هم مجدداً وارد ایران خواهد شد (این اولتیماتوم شش سال بعد افشا شد) پس از این وقایع بود که شوروی در اردیبهشت ۱۳۲۵ نیروهای خود را از ایران خارج کرد (مدنی، ۱۳۷۵: ۳۱۱-۳۰۷).

#### نتیجه

موضوع امتیاز نفت شمال ایران در دو مقطع زمانی بعد از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹/۱۹۲۱ و دیگر پس از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ مطرح و از اهمیت خاصی برخوردار شد. این مسئله دلایل خاص خود را داشت. اولاً باید گفت که سیاستمداران ایران در تلاش برای نزدیکی به قدرت سوم در سیاست خارجی بودند، ثانیاً ایران بخاطر موقعیت خاص جغرافیایی و اهمیت راهبردی مانند نزدیکی به مستعمره بزرگ انگلستان در آسیا یعنی هند و دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و همسایگی با روسیه در آسیای میانه، سخت مورد توجه هر دو قدرت وقت یعنی انگلستان و روسیه در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی بود. به عبارتی ایران صحنه رقابت قدرتهای بزرگ بود. درچنین شرایطی دست یابی به منابع عظیم نفتی و معادن این کشور یکی از اهداف مهم دو قدرت بزرگ استعماری بود. انگلیسی‌ها که امتیاز داری و بعد ۱۹۳۳ (نفت جنوب) را در دوره قاجار و پهلوی به دست آورده بودند. روسیه و بعد شوروی نیز نمی‌خواست از این نظر ازرقیب خود در ایران عقب بماند. زمانی که پای شرکتهای آمریکایی برای استخراج نفت شمال ایران به میان آمد دولت شوروی دست به کارشد و دراین میان از همه ابزارها تهدید، فشار، اشغال نظامی درجریان جنگ جهانی دوم و گروه‌های وابسته به خود خصوصاً حزب توده استفاده کرد. حزب توده که در ابتدا واگذاری امتیاز به شرکت‌های آمریکایی را درست نمی‌دانست وقتی درخواست شوروی برای کسب امتیاز نفت شمال مطرح شد با تمام وجود برای تحقق این امر کوشید. آنها با کمک نمایندگان

خود در مجلس و روزنامه‌های وابسته به خود به طرق مختلف کوشیدند تا دولت ایران را به اعطای امتیاز نفتی به شوروی مجاب کنند که موفق نشدند. شوروی در این مرحله جدای از اهداف سیاسی؛ اقتصادی و رقابت با انگلستان، تأمین امنیت مرزهای جنوبی خود را که نفت آن کشور در آن مناطق متمرکز بود در نظر داشت. آنها راضی نمی‌شدند که آمریکا و انگلیس در قالب شرکت‌های نفتی و کسب امتیاز نفت شمال ایران به مرزهای آن کشور نزدیک شوند. برای این مهم شوروی از تمام ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی در ایران استفاده کرد. با سرکوب و کنار گذاشته شدن حامیان شوروی در ایران آنها از رسیدن به اهداف خود بازماندند. حزب توده نیز در مقاطع مختلف با برخورد سخت رژیم پهلوی مواجه شد که نقطه اوج آن سرکوب بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. تقاضای شوروی برای امتیاز نفت شمال در نهایت با تصویب طرح موازنه منفی دکتر مصدق در مجلس شورای ملی به نتیجه نرسید. هرچند شوروی و عناصر وابسته به آن مانند حزب توده فشارهایی را به دولت ساعد، بیات، قوام السلطنه وارد کردند اما در نهایت کاری از پیش نبردند.

### منابع:

#### الف: کتاب

- ۱- ابراهامیان، ایرواند ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- ابراهامیان، ایرواند، (۱۳۹۰)، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر شیرازه.
- ۳- آرامش، احمد، (۱۳۶۹)، خاطرات احمد آرامش، اصفهان، نشر نی.
- ۴- بهار، ملک الشعراء، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۵- پیشه‌وری، سیدجعفر، (۱۳۴۹)، تاریخچه حزب عدالت، علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹.

- ۶- جامی، ن، (۱۳۶۲)، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.
- ۷- ذوقی، ایرج، (۱۳۷۲)، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، چاپ سوم، تهران، نشر پازنگ.
- ۸- ذوقی، ایرج، (۱۳۷۵)، مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران، چاپ سوم، تهران، نشر پازنگ.
- ۹- رفیع زاده، عظیم، (۱۳۸۴)، ریشه های انقلاب ایران، رشت، نشر شانیا.
- ۱۰- رواسانی پور، شاپور، (۱۳۶۸)، نهضت میرزا کوچک خان و اولین جمهوری شورایی در ایران، بی جا، شمع، چاپ دوم.
- ۱۱- زرگر، علی اصغر، (۱۳۷۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین و معین، تهران.
- ۱۲- سلیمانی دهکردی، جمیلۀ عزیزخواه، (۱۳۹۲)، مخالفت‌ها علیه میلسو در ایران ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، سال چهل و نهم، شماره سوم (پیاپی ۱۹): ۹۷-۱۱۰.
- ۱۳- شوادران، بنجامین، (۱۳۵۲)، خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، انتشارات فرانکلین و کتابهای جیبی، تهران.
- ۱۴- علوی، بزرگ، (۱۳۵۷)، پنجاه و سه نفر، بی تا، تهران.
- ۱۵- فاتح، مصطفی، (۱۳۳۵)، پنجاه سال نفت ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی چهار.
- ۱۶- فرخ، سیدمهدی، (بی تا)، خاطرات سیاسی فرخ «تاریخ پنجاه ساله معاصر»، تهران، انتشارات جاویدان.
- ۱۷- کاظم زاده، فیروز، (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران.
- ۱۸- مدنی، سیدجلال الدین، (۱۳۷۵)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۹- معینی رودبالی و همکاران، (۱۳۹۲)، واکاوی جنبش‌های منطقه‌ای ایران در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ مطالعه موردی: تأثیر فرقه دموکرات آذربایجان بر نهضت جنوب فارس فصلنامه جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول بهار و تابستان، ۱۳۹۲: ۱۲۰-۱۰۱.

۲۰- لنچافسکی، ژرژ، (۱۳۵۲)، غرب شوروی در ایران، ترجمه حورا یاوری، تهران، ابن سینا.

۲۱- ناظری، محمدرضا، (۱۳۸۲)، شناسنامه احزاب سیاسی ایران، انتشارات پارسایان، چاپ اول، قم.

### ب: فصل نامه ها و مجلات

۱- شاهدی، مظفر، نفت شمال در عرصه رقابتهای بین‌المللی، فصل نامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۷، پاییز، ۱۳۷۷، صص ۸۴-۵۳.

۲- مسعود نیا، حسین، نظری بر تاثیر موضوع نفت شمال در افزایش نفوذ آمریکا در ایران (۱۹۴۱-۱۹۴۷)، فصل نامه تاریخ روابط خارجی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۷، صص ۹۶ تا ۱۱۹.

### ج: اسناد

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۶۶، ۱۱ آذر ۱۳۲۳، صص ۱۴۵۶-۱۴۳۲.

۲- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۳۰، ۲۷ مهر ۱۳۲۳ صص ۱۲۹۱.

۳- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۰۸، مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ صص ۸۰۹.

۴- اسنادی از امتیاز نفت شمال، اداره کل آرشیو اسناد و موزه ریاست جمهوری، سند شماره ۱۰۱.

۵- مرکز اسناد و توزیع دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۲۲ ش، ک ۲۲، ۲ پ ۵۷: ۷.

ج: روزنامه ها و نشریات

- ۱- روزنامه آژیر شماره ۱۷۲، ۵ مرداد ۱۳۲۳.
- ۲- روزنامه باخترا، ۴ آبان، ۱۳۲۳.
- ۳- روزنامه دوست ایران (نشریه سفارت شوروی در تهران)، ۱۳ دسامبر ۱۹۴۴.
- ۴- روزنامه رزم، ۱۷ و ۱۸ آبان ۱۳۲۳.

پیوست ۱- سند شماره ۱۰۱

